

بسم الله الرحمن الرحيم

◇ یادداشت سردبیر

در واگذاری برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی به دانشگاه‌ها - و طبعاً دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی - یکی از دلایل محوری آن، هماهنگ‌کردن برنامه‌های آموزش عالی با نیازهای واقعی جامعه عنوان شده است. گرچه این دلیل پیوسته و در هرگونه شرایطی صادق است و ربطی به تمرکز یا عدم تمرکز برنامه‌ریزی ندارد، لیکن نفس این حرکت را می‌توان فرصت مناسبی برای همسوکردن آموزش با واقعیت‌های جامعه دانست. رشته‌کنابرداری و اطلاع‌رسانی شاید از جمله رشته‌هایی باشد که شدیداً از شرایط فنی، اقتصادی، و فرهنگی محیط اجتماعی خود تأثیر می‌پذیرد یا منطقاً باید بپذیرد؛ و به همین اعتبار بازنگری کلی برنامه‌های این رشته ضروری‌تر می‌نماید.

یکی از حوزه‌های عملکرد این رشته که از اهمیت خاصی برخوردار است حوزه مدیریت است. ورود فن‌آوری‌های گوناگون و نوبه‌نو شدن سریع آنها سبب شده است که نوع مواد اطلاعاتی، شیوه‌های مختلف ساماندهی و پردازش، و به تبع آنها، نوع خدمات مورد انتظار از یک سو؛ و گسترده‌شدن بسترهای ذخیره و بازیابی اطلاعات و وسعت دامنه تعریف کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی از سوی دیگر، این‌گونه مراکز را به سازمان‌های پیچیده‌ای تبدیل کرده است که مدیریت بر آنها ویژگی‌ها و الزام‌های خاصی را طلب می‌کند، و به همین دلیل، عنوان این‌گونه مدیریت‌ها نیز گستره وسیع‌تری را دربر می‌گیرد و معمولاً با نام "مدیریت نظام‌های اطلاعاتی" از آنها یاد می‌شود.

مدیریت نظام‌های اطلاعاتی، گرچه ریشه در مدیریت کتابخانه دارد، رویکرد متفاوتی را می‌طلبد که برخاسته از عملکرد این مراکز است. موادی که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی معمولاً وارد نظام می‌کنند، به دلیل تنوع تولید، به هیچ وجه با گذشته قابل مقایسه نیست، پردازش مواد و منابع اطلاعاتی اساساً دگرگون شده است، و مفهوم استفاده از این‌گونه نظام‌ها - چه از لحاظ مکان و زمان و چه از جنبه شیوه‌های ارائه - تحولی عظیم یافته است. امکانات ارتباطی بیرون از کتابخانه استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه این‌گونه مراکز را به آگاهی‌ها و مهارت‌هایی مجهز کرده

است که به نوبه خود سطح و نوع انتظار آنان را به سرعت و با شتابی تند افزایش داده است. بنابراین، سامان بخشی به این همه - به عنوان مدیریتی فراگیر - و در کنار آن هماهنگ شدن با جریان ها و فنون و تدابیر نوین، مدیریت بر این گونه نظام ها را تبدیل به کاری تخصصی، دشوار، و در عین حال ظریف کرده است.

مدیریت نظام های اطلاعاتی جریانی بین رشته ای است که طبعاً از کلیه یافته های علمی و تجربی دو حوزه "مدیریت" و "اطلاع رسانی" بهره می جوید و به تناسب نیازهای این رشته نوین، آنها را درهم می آمیزد؛ و کسی که چنین مدیریتی را می پذیرد ناگزیر از تلفیق عالمانه این یافته هاست؛ بنابراین، جا دارد که مدیریت نظام های اطلاعاتی را مدیریتی بدانیم که مشخصه هایی فراتر از مدیریت سنتی دارد و می بایست چنین رشته ای را در مراتب بالای آموزش رسمی گذرانده باشد.

تأسیس برنامه هایی از این نوع، امروزه بیش از هر زمان دیگر قابل توجیه و مورد انتظار است و مدیرانی که امروزه از مراکز آموزش عالی فارغ التحصیل می شوند باید با تجهیز به چنین دانش و مهارتی به جامعه حرفه ای و تخصصی ورود یابند. طبعاً تأسیس چنین رشته ای ایجاب می کند که در رشته های موجود دیگری که ممکن است با نام یا عنوانی مشابه فعالیت داشته باشند بازنگری شود. این گونه کلان نگری سبب می شود که هر گونه همپوشانی توجیه پذیر باشد به نحوی که بتوان برخورد این گونه رشته ها را بیشتر برخوردی بین رشته ای بدانیم تا همپوشانی به معنای منفی آن.

ورودی چنین رشته ای را می توان از حوزه هایی چون مدیریت، تحقیق در عملیات، فن آوری ارتباطات، کتابداری و اطلاع رسانی، و علوم رایانه ای موجه دانست و مدرسان این رشته نیز - به اعتبار بین رشته ای بودن آن - از میان صاحب نظران رشته های پیشگفته خواهند بود، و برنامه های چنین رشته ای نیز می بایست برگرفته از دروس مرتبط موجود در حوزه های مورد اشاره باشد. بدین ترتیب، مثلثی از دانشجو، استاد، و برنامه درسی پدید خواهد آمد که به دلیل ارتباط تنگاتنگ آنها با یکدیگر از لحاظ ویژگی ها، تجربه ها، و انتظارها؛ خروجی رشته در پایان دوره احتمالاً از قابلیت های لازم برای مدیریت نظام های اطلاعاتی برخوردار خواهد گردید.